

تحلیل کار آمدی انتظار در حیات طیبه

محمد مهدی گرجیان^۱ - زینب کبیری^۲

چکیده

«حیات طیبه» حیاتی مخصوص مومنان است که مرتبه‌ای والاتر از حیات عمومی انسان‌ها بوده و به درجات خاصی از ویژگی‌های علم، قدرت و اراده آگاهانه مزین شده است؛ حیاتی که به وسیله روح ایمان، قوه میل به اطاعت الاهی و انجام دادن عمل صالح پدید می‌آید. مهم‌ترین شاخصه بهره مندی از حیات طیبه، داشتن امید به آینده، پایمردی در راه اهداف عالی الاهی و جهاد با نفس است. عصر انتظار، دوره غیبت امام مهدی علیه السلام است که شیعیان به حکومت عدل مهدوی امیدوارند تلاش می‌کنند تا شرایط ایجاد حیات طیبه و مدینه فاضله مهدوی را فراهم کنند. ویژگی مهم این دوران، امتحان مردم در دینشان است که با فراقنی و ایجاد شبهه، ایجاد شک و ناامیدی به فرج و گشایش الاهی، ابتلا به انواع سختی‌ها و بلاها متبلور می‌شود. این مقاله می‌کوشد با روش توصیفی - تحلیلی تبیین کند که فرهنگ انتظار با ترغیب و امیدبخشی به مومنان، ایجاد روحیه اطاعت و فرمانبرداری از اوامر الاهی، ایجاد روحیه استقامت و صبوری و دعوت به جهاد با نفس و رسیدن به ارزش‌های اخلاقی می‌تواند در تحقق حیات طیبه نقش آفرینی کند.

واژگان کلیدی: حیات طیبه، انتظار، فرهنگ انتظار مهدوی، عصر انتظار.

Mm.gorjian@yahoo.com

۱. دانشیار فلسفه و کلام دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

۲. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی (گرایش اخلاق اسلامی) دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

zekabiry@gmail.com

«نویسنده مسئول»

مقدمه

انسان مجاهد تلاش می‌کند با قرب وجودی به امام معصوم، روح خود را در مسیر بندگی پروردگار تقویت کرده، آن را به دریای حیات سرمدی الهی وصل گرداند. حیات طیبه، حیاتی الهی و فراتر از زندگی مادی و حیوانی مشترک میان انسان و سایر موجودات است که روح، با رسیدن به درجاتی از کمالات به این حیات جدید راه پیدا می‌کند. حیاتی که با ویژگی‌های خاص حیات، علم، قدرت و اراده اشتداد یافته، حیات سعادت‌مندانه اختیاری را برای انسان رقم زده و قرب پرورگارش را برای وی به ارمغان می‌آورد. درجه اشتدادی حیات، با توجه به میزان علم، قدرت، و اراده تاثیر گذار مشخص می‌شود و حیات حقیقی از آن روح انسان است. در برخی از احادیث، درجات خاصی برای روح مومن، ما فوق سایر انسان‌ها ذکر می‌شود که گویای وجود نوعی حیات مخصوص مومنان است؛ حیاتی معنوی و طیب که آثار و برکات فراوانی دارد. از آن‌جا که شناختن ویژگی‌های عصر انتظار و کارآمدی انتظار فعال می‌تواند در رسیدن به درجات معنوی روح و زمینه‌سازی تحقق حیات طیبه کمک کند؛ در این مقاله به تبیین حقیقت حیات طیبه، ویژگی‌های عصر انتظار (غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه) و نقش انتظار در تحقق حیات طیبه پرداخته شده است.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. انتظار

«انتظار»، مصدر باب افتعال از ماده «نظر»، در لغت به معنی توقف و مهلت برای کسی است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۵، ص ۲۱۶) و به معنی امیدواری، چشم به راه بودن، نوعی امید داشتن به آینده نیز آمده است (مصطفوی، ۱۳۸۵: ج ۱۲، ص ۱۸۴؛ فراهیدی، همان: ص ۸۱۳ و دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۱۳، ص ۱۹۹۹).

«انتظار» در اصطلاح شیعه به معنی امیدواری و چشم به راه بودن حکومت حق و عدل آخرین جانشین و سلاله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است (مجلسی، ۱۳۸۱: ص ۹۱۴). انتظار به این معنا حاصل ایمان راسخ به تحقق وعده‌های الهی است و ثمره آن انجام دادن عمل صالح و خودسازی است.

منظور از عصر انتظار، دوران امیدواری تشکیل حکومت امام مهدی علیه السلام است که مسلمانان برای آمادگی رسیدن به آن حکومت جهانی، نیازمند کسب کمالاتی هستند که از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام، با عنوان ویژگی‌ها و خصال شیعه یا یاوران مهدی علیه السلام، ترسیم شده است.

۱-۲. حیات

واژه «حیات» از ریشه «حَی» در لغت مقابل «موت» به معنای زندگی و زنده بودن آمده است (مصطفوی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۳۹۲ و راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ص ۲۶۹). به نیروی رشد و نمو، حرکت و احساس نیز حیات گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۴، ص ۲۱۱ و فراهیدی، ۱۴۱۴: ص ۲۰۹). آنچه جانداران را از جمادات جدا می‌کند، همانند رشد، تغذیه، زاد و ولد از آثار حیات مخلوقات است (انیس و دیگران، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۴۴۷).

علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان و حیات را این گونه تعریف می‌نماید:

حیات عبارت است از زندگی دنیوی از روز ولادت تا رسیدن مرگ، که دورانی است توأم با شعور و فعل ارادی که نظیرش و یا نزدیک به آن در حیوانات نیز یافت می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۷، ص ۳۳۸).

حیات در اصطلاح متکلمان اسلامی، نوعی کمال خاص است که نشانه اتصاف موجودی به آن کمال، این است که علم، قدرت و فعالیت ارادی و آگاهانه دارد (حلی، بی‌تا: ص ۳۱۳).
صدر المتألهین حیات را به آثارش تعریف کرده است:

الحیة هی کون الشیء بحیث یصدر عنه الافعال الصادره عن الاحیاء من آثار العلم و القدره؛ حیات گونه‌ای از وجود شیء است، به حیثی که افعال و آثار زندگان، نظیر علم و قدرت از آن صادر می‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ج ۶، ص ۴۱۷).

تعریف حیات به عنوان نوعی کمال برای موجودات با نشانه‌های علم، آگاهی، قدرت و اراده تاثیرگذار، پسندیده است؛ زیرا حیات الاهی را شامل می‌شود؛ علاوه بر آن که حیات موجودات را در بر می‌گیرد و دارای مراتبی است؛ با این تفاوت که نشانه‌های کمالی حیات، نظیر علم و آگاهی، قدرت و اراده در حیات الاهی وجود دارد؛ اما هر گونه نشانه نقص و وابستگی نظیر آنچه برای مخلوقات ذکر شد، اعم از رشد، حرکت، احساس و تولید مثل از حیات الاهی به دور است. حیات انسان نیز در سایه علم، قدرت و اراده به تکامل می‌رسد و به



حیات حقیقی نزدیک می‌شود. نکته شایسته تذکر، ذاتی، ازلی و ابدی بودن حیات الاهی و وابستگی حیات انسان به حیات الاهی است.

۱-۳. طیب

«طیب» در لغت به معنای پاک و پاکیزه است و به چیزی گفته می‌شود که انسان به طور طبیعی به آن تمایل دارد (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۵۶۳ و فراهیدی، ۱۴۱۴: ص ۴۹۹). کلمه «طیب» به معنای عاری بودن هر چیزی است از خلطی که آن را تیره و ناپاک سازد و خلوص آن را از بین ببرد. گفته می‌شود: «طاب لی العیش؛ زندگی برایم طیب شد»؛ یعنی از هر چیزی که کدر و ناگوارش کند، پاک گردید. «قول طیب» به کلامی اطلاق می‌شود که از لغو، شتم و خشونت، و سایر کدورت‌ها پاک باشد (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۵۶۳). در اصطلاح مفسران نیز، «طیب» در مقابل «خبیث»، ملایمت با نفس و طبع هر چیزی را معنا می‌دهد. به عنوان مثال «کلمه طیب»، به معنای سخنی است که فرد از شنیدنش مسرور شود و «عطر طیب» به معنای عطری است که شامه آدمی از بوی آن خوشش آید و «مکان طیب» به محلی اطلاق می‌شود که با حال کسی که می‌خواهد در آن محل جا بگیرد، سازگار باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۳، ۱۷۵).

۱-۴. حیات طیبه

«حیات طیبه»، به معنای حیات پاکی است که از هر آنچه حیات انسانی را کدر و فاسد کند و از وضع و طبع اصلی خود دور سازد؛ خالی است. در واقع حیاتی حقیقی و خالص برای انسان است که با طبع انسانی (فطرت اولیه انسان) و استعدادهای ذاتی مطابق و سازگار او است و خداوند طبق مصلحت‌های ویژه‌ای آن‌ها را در وجود انسان به ودیعه گذاشته است؛ به دور از عواملی که سبب تباهی چنین حیات ویژه‌ای یا آثار آن باشد. انسانی که چنین حیاتی یافته است؛ علم، قدرت، اختیار، تفکر و فعالیت‌های آگاهانه خود را حول محور طبع و فطرت خویش به کار می‌گیرد. اکنون باید دید حیات مطابق و سازگار با طبع انسانی چیست و طبع انسان به چه گونه‌ای از حیات تمایل دارد؟

انسان موجودی دو بعدی و مرکب از جسم و روح است که حقیقت او را روحش تشکیل می‌دهد که این روح تا ابد باقی می‌ماند، نه بدن او که با مرگ از بین می‌رود (طوسی، ۱۳۸۹: ۸



ص ۲۲). در حقیقت، حیات واقعی او، حیات کامل روح و وابسته به فعلیت رسیدن قوای روحانی و ملکوتی اوست. فطرت و طبیعت، هر دو از قوای روحی انسان است؛ با این تفاوت که فطرت، آگاهانه و بالقوه بوده و به امور متعالی روح انسانی مربوط است و مرتبه وجودی آن نسبت به طبیعت، بالاتر است؛ ولی طبیعت، بالفعل، نیمه آگاهانه یا ناآگاهانه است. طبیعت، از نیروهای تدبیری روح انسان است که عهده‌دار امور طبیعی بدن مادی اوست (جعفری، ۱۳۸۶: ص ۱۰۸-۱۱۸).

حیات اقسام مختلفی دارد و شامل «حیات مادی» و «حیات معنوی» می‌شود. حیات مادی بین انسان و سایر موجودات مشترک است و به امور زندگی طبیعی مربوط است و آثاری چون رشد، حرکت، احساس، تولید مثل و فعالیت طبق قوانین طبیعت را شامل می‌شود. این نوع از حیات خود دارای مراتب و درجاتی است که نازل‌ترین آن برای نباتات و کامل‌ترین مرتبه برای انسان به اثبات رسیده؛ اما نوع دیگری از حیات وجود دارد با ویژگی‌هایی که مخصوص انسان است و در سایر موجودات یافت نمی‌شود. این نوع از حیات، به استعدادهای ذاتی انسان بر می‌گردد که او را از سایر موجودات متمایز می‌کند و برای اهداف خاصی در وجود او نهاده شده و یکی از استعدادهای ذاتی انسان، فطرت «معنویت‌گرایی» و «تمایل به ارزش‌های اخلاقی» است که همراه با تفکر و تعقل سلیم، اراده و اختیار آگاهانه، انسان را به کمال حقیقی، یعنی خداشناسی و خداگرایی می‌رساند (همان: ص ۲۹۲-۲۹۶).

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! استجابت کنید دعوت خدا و رسول را وقتی شما را دعوت می‌کند، به چیزی که شما را زنده می‌کند (انفال: ۲۴). فرمایش این آیه بر محور حیات طیبه است و بی‌تردید مقصود از حیاتی که با دعوت انبیا فراهم می‌آید، حیات حیوانی نیست؛ زیرا این نوع از حیات، بدون دعوت انبیا نیز وجود دارد، بلکه مقصود حیات حقیقی و فطری است. حیاتی عقلانی، معنوی و توحیدی که اختیاری بوده و مخصوص انسان است (قرآنی، ۱۳۸۳: ج ۳، ص ۲۹۴). حیاتی توحیدی که به همه اعمال نیک ارزش و اعتبار می‌دهد و نوعی خاص از زندگی است که تنها مومنان به آن راه می‌یابند. از منظر قرآن:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»؛ از مرد و زن، هر کس کار شایسته انجام دهد در حالی که مؤمن است، مسلماً او را به زندگی پاک و پاکیزه‌ای زنده می‌داریم (نحل: ۹۷).



از آن جا که ایمان و عمل صالح، جان و روح انسان را تقویت می‌کند و اصل وجود انسان به روح اوست که باقی و ابدی است؛ حیات طیبه در واقع اشتداد وجودی انسان و نزدیکی به منبع حیات حقیقی، یعنی حیات الاهی است و تمامی آثار حیاتی پاک و توحیدی در همه عوالم وجودی را شامل می‌شود که به نسبت دسترسی به آن در هر عالمی، آثار حیات حقیقی متناسب آن عالم را از خود بروز می‌دهد. از نظر قرآن، حیات طیبه، حیاتی مزین به ایمان است و از آن جا که ایمان بدون علم، آگاهی و اختیار حاصل نمی‌شود؛ حیاتی آگاهانه و اختیاری است.

علامه طباطبایی معتقد است عبارت «فَلنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» دلالت دارد بر این که خدای تعالی مؤمنی را که عمل صالح انجام دهد، به حیات جدیدی غیر از حیات عمومی که به سایر انسان‌ها نیز داده است، زنده می‌کند و مقصود این نیست که حیثیتش را تغییر می‌دهد (یعنی حیات عمومی باشد و صفتش را تغییر دهد) زیرا اگر مقصود این بود، کافی بود که بفرماید: «ما حیات او را طیب می‌کنیم»؛ ولی این‌طور نفرمود، بلکه فرمود: ما او را به حیاتی طیب زنده می‌سازیم. پس بر اساس آیه شریفه، خدای تعالی حیاتی ابتدایی و جداگانه و جدید به مومن نیکوکار اضافه می‌فرماید (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۲، ص ۴۹۲).

«وَلِئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ» آنان کسانی‌اند که خدا در دل‌هایشان ایمان را نوشته و ایشان را به روحی از جانب خود تایید فرموده است (مجادله: ۲۲).

مومنان کسانی هستند که نه تنها به حیات جدیدی رسیده‌اند، بلکه ابزاری نو برای این نوع از حیات از جانب پروردگار به آنان اعطا می‌شود. خداوند آنان را به وسیله روحی از جانب خود تایید می‌کند.

جابر جعفی می‌گوید:

امام صادق علیه السلام فرمود: ای جابر! خداوند متعال مردم را سه دسته آفرید و فرمود: «وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً؛ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ؛ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ؛ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ؛ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقع: ۷-۱۱). سابقون همان رسولان خدا و برگزیدگان خدا از خلق او هستند که خداوند در ایشان پنج روح قرار داده است: روح القدس که به وسیله آن همه چیز را بدانند و بشناسند؛ روح

۱. «...فالسابقون هم رسل الله و خاصة الله من خلقه، جعل فيهم خمسة ارواح أيدهم بروح القدس فيه»

ایمان که به وسیله آن تایید و کمک شده اند تا از خدا بترسند؛ روح قوه که به وسیله آن قدرت یافته اند، از خداوند اطاعت کنند؛ روح شهوت (میل و اشتها) را قرار داد که به وسیله آن اطاعت خدا را خواستند (میل به آن یافته اند) و از نافرمانی اش کراهت یافتند و روح حرکت یا زندگی که همه مردم با آن رفت و آمد کنند و در مومنان (اصحاب یمین) به جز روح القدس چهار روح دیگر را قرار داد (کلینی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۱۵-۱۶).

در شرح این حدیث، برای روح دو تعبیر آمده است: ۱. قوه باطنی و درونی انسان که منشا و علت آثار است؛ ۲. درجات و مراتبی از روح ناطقه انسان. وی بیان می کند روح القدس، مخصوص پیامبران و ائمه علیهم السلام است؛ روح حرکت، عمومیت دارد و در همه مردم موجود است و سه روح دیگر (سه مرتبه = درجه، یا سه قوه دیگر) در پیامبران، ائمه علیهم السلام و مومنان وجود دارد (مصطفوی، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۱۶). طبق این حدیث تنها مومنان به درجاتی از حیات روحانی و معنوی می رسند که همان حیات طیبه وعده داده شده به مومنان در آیه ۹۷ سوره مبارکه نحل است.

بنابراین، حیات طیبه، حیاتی جدید و مخصوص مومنان است که مرتبه ای والاتر از حیات عمومی انسان ها و به مرتبه خاصی از ویژگی های علم، قدرت و اراده مزین است. حیاتی که به وسیله روح ایمان (علم و معرفت آگاهانه و مطابق با فطرت توحیدی)، قوه میل به اطاعت الهی (اراده اثر گذار معنوی و تمایل بر امور خیر) و انجام عمل صالح پدید می آید. اکنون باید دید ویژگی های عصر انتظار چیست و انتظار چگونه می تواند در تحقق حیات طیبه و خالصی که خداوند به مومنان وعده داده است، نقش آفرینی و چنین حیاتی در عصر انتظار چگونه تحقق می یابد.



عرفوا الاشیاء و ایدهم بروح الايمان فبه خافوا الله عزوجل و ایدهم بروح القوة و فبه قدروا على طاعة الله و ایدهم بروح الشهوة فبه اشتهوا طاعة الله عزوجل و كرهوا معصيته و جعل فيهم روح المدرج الذى به يذهب الناس و يجيئون و جعل فى المومنين: اصحاب الميمنة روح الايمان فبه خافوا الله و جعل فيهم روح القوة فبه قدروا على طاعة الله و جعل فيهم روح الشهوة فبه اشتهوا طاعة الله و جعل فيهم روح المدرج الذى به يذهب الناس و يجيئون».

۲. ویژگی‌های عصر انتظار

در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام ویژگی‌هایی برای دوران غیبت امام مهدی علیه‌السلام و عصر انتظار ظهور دولت حقه ایشان ذکر شده است که به نظر می‌رسد برای رسیدن به حیات طیبه در این دوران، آشنایی با این ویژگی‌ها لازم است.

از جمله ویژگی‌های این عصر، «امتحان» مردم در دین دارای است که با فرافکنی و ایجاد شبهه، ایجاد شک و ناامیدی به فرج و گشایش الاهی، ابتلا به انواع سختی‌ها و بلاها متبلور می‌شود و در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۲-۱. شک و شبهه افکنی در دل‌های مومنان

از جمله ویژگی‌هایی که برای این دوران ذکر شده ایجاد شک در قلوب مومنان و افزایش شبهه‌های گوناگون در دین است که باعث می‌شود مردم پیوسته از دین فاصله بگیرند تا جایی که نگه داشتن دین، سخت‌تر از نگه داشتن آتش در دست، تعبیر شده است. سدید صیرفی چنین نقل می‌کند:

همراه چند نفر از یاران خدمت امام صادق علیه‌السلام رسیدیم؛ حضرت در حالی که برخاک نشسته بود، با چشمانی پر از اشک و اندوه، همانند زنی که فرزندش مرده است گریه می‌کرد و می‌فرمود: مولای من! غیبت تو خواب را از چشمان من بریده و استراحت مرا زایل و بلاها را بر من پیاپی گردانیده است. از حضرت پرسیدیم: ای بهترین خلق! چه حادثه‌ای روی داده که شما را چنین گریان و نالان می‌بینیم؟! حضرت فرمود: غیبت حضرت صاحب الامر علیه‌السلام و ابتلای مومنان در زمان طولانی شدن غیبت؛ بسیار شدن شک و شبهه در دل مردم و مرتد شدن اکثر مردم و رویگردانی از اسلام و اطاعت دستورات الاهی، حزن و اندوه را بر من غالب کرده است (قمی، ۱۳۷۹: ص ۱۱۷۲).

شیخ صدوق نیز از عبدالله بن سنان روایت کرده که اباعبدالله علیه‌السلام فرمود:

زود است که به شما شبهه می‌رسد و پس بدون راهنما و پیشوای هدایت کننده می‌مانید و نجات نمی‌یابید، مگر این که بخوانید دعای غریق را: «یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک» (همان، ص ۱۱۷۸).

اگر حیات طیبه را به حیات مومنانه‌ای تعبیر کنیم که با عمل صالح تکمیل می‌شود؛ ایجاد

شک و شبهه در عصر انتظار، یکی از دو عنصر اصلی حیات طیبه، یعنی ایمان افراد را نشانه گرفته و در صدد زدودن اعمال صالح است. به همین دلیل، برای رسیدن به حیات طیبه در این عصر که حیات مومنانه و توحیدی است، نیازمند افزایش آگاهی و رهایی از شک و شبهه هستیم.

۲-۱.۲ اختلاف و پراکندگی میان مومنان

آفت دیگری که ایمان افراد را در این دوران تهدید کرده و مانع وصول آن‌ها به حیات طیبه می‌شود؛ پدیدار شدن اختلاف و پراکندگی در میان مومنان است.

شیخ نعمانی از امام حسین علیه السلام چنین روایت کرده است:

امری که شما منتظر آنید [ظهور] پیش نخواهد آمد تا این که برخی از شما از برخی دیگر بیزاری جوید و گروهی از شما به کفر گروه دیگر گواهی دهد و بعضی افراد بعض دیگر را لعن کنند. عرض کردم: در چنین دورانی خیری وجود ندارد؟ امام حسین علیه السلام فرمود: همه چیز در آن روزگار است که قائم ما قیام می کند و همه این‌ها را از میان بر می دارد. (ابن ابی زینب: ۱۳۹۷: ۲۰۵).

از آن‌جا که رسیدن به حیات طیبه، نیازمند علم و آگاهی خاصی است که روح اطاعت و فرمانبرداری از اوامر الهی و میل به تشکیل حکومت حق و عدالت را در فرد ایجاد کند و مستلزم همبستگی و اتحاد جدی قلوب مومنان در تحقق این مسیر است؛ یکی دیگر از امتحانات سخت الهی در این دوران، وجود اختلاف میان مومنان است که در مسیر انتظار موعود می‌تواند به یکدلی و همبستگی بینجامد. در زیارتنامه حضرت صاحب علیه السلام می‌خوانیم:

السلام علی المهدی الذی وعد الله به الامم ان یجمع به الکلم و یلم به الشعث و یملاء به الارض عدلا و قسطا و ینجز به وعد المومنین؛ سلام بر مهدی که خداوند وعده داده است به جمیع امت‌ها که به وجود او جمع کند اختلاف‌ها را و دین یکی شود و پراکندگی‌ها از بین برود و به وسیله او زمین را از عدل و داد پر کند و وعده‌ای را که به مومنین داده است، اجرا کند.

برقراری حکومت عدل جهانی نیازمند مومنانی است عالم، متحد، یکدل، کوشا و خودساخته؛ لذا انتظار فعال و سازنده می‌تواند سبب الفت قلوب مومنان برای زمینه‌سازی قیام عدالت جهانی باشد.



۲-۳. افزایش بلاها، ناامیدی و یاس مومنان

یکی دیگر از مظاهر امتحانات الهی در جهت تحقق حیات طیبه مهدوی، «افزایش بلاها و سختی‌هایی» است که ایمان افراد را نشانه گرفته است؛ آزمایشی که مردم عصر انتظار باید برای روزهای سخت تحقق دولت مهدوی با آن آبدیده شوند؛ ولی به یاس و ناامیدی مبتلا نشوند.

امام باقر علیه السلام فرموده است:

قسم به خدا که امتحان خواهید شد، و جدا خواهید شد تا آن که از شما مگر اندکی نماند! (همان: ص ۱۱۷۱).

بنابراین، برای رسیدن به حیات طیبه عصر انتظار و آمادگی برای تحقق حیات طیبه کامل‌تر مهدوی، نیازمند رهایی از یاس و ناامیدی هستیم. در این دوران پراز محنت و سختی، تنها انتظار و امیدواری به رحمت حق و تحقق وعده‌های الهی است که می‌تواند قلوب مومنان را به ایمان ثابت قدم نگه داشته و آنان را به حیات طیبه مومنانه نزدیک سازد.

معمر بن خلاد چنین نقل کرده است:

ابوالحسن علیه السلام آیه شریفه ﴿أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ (عنکبوت: ۲) را تلاوت کرده و فرمودند: سپس به من فرمود فتنه چیست؟ عرض کردم: قربانت گردم؛ آنچه ما می‌دانیم امتحان در دین است. حضرت فرمود: امتحان می‌شوید چنان که طلا امتحان می‌شود و باز فرمود: خالص و پاک می‌شوند، چنان که طلا پاک می‌شود (کلینی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۱۹۶).

قیام جهانی مهدوی نیازمند انسان‌های کوه استقامت و قوی دل است، این افراد باید در عصر انتظار آزموده و غربال شوند تا مومنان شایسته حیات طیبه توحیدی انتخاب و برای زمینه‌سازی قیام آماده شوند.

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام به این مضمون آمده است:

امر ظهور امام دوازدهم واقع نمی‌شود، مگر این که غربال شوید، آزمایش شوید، این امر جز بعد از ناامیدی واقع نشود (همان، ص ۱۹۶-۱۹۷).

بنابراین، انتظار به معنای امیدواری و پایداری که روح ایمان، تلاش برای عمل صالح که

۱. مگر مردم پنداشته اند به صرف اینکه گویند ایمان داریم رها شوند و امتحان نشوند!؟

مقوم ایمان فرد است، مقدمه قیام مهدوی و رسیدن مومنان به حیات طیبه وعده داده شده قرآنی است.

۲-۴. فراموشی هدف و افزایش گناه

یکی دیگر از مختصات عصر انتظار، به دلیل دوری از وجود مبارک امام عصر علیه السلام؛ فاصله گرفتن از اهداف متعالی انسانی، عدم انجام دادن معتنا به اعمال صالح و اطاعت از پروردگار بوده که موجب افزایش گناهان است. منفعل شدن منتظران در این عصر، به دلیل دوری از هدف متعالی زندگی و فراموشی حیات طیبه است. نشناختن یا فراموشی هدف که از مختصات انتظار منفعل یا منتظر نبودن است؛ موجب می‌شود به نسبت افزایش فساد، گناه و ستم، مومنان برای تزکیه اعمال خود و دیگران اقدام کافی و وافی نکنند. انتظار فعال زمانی محقق می‌شود که انسان به اهداف عالی بیندیشد و به منظور رسیدن به هدف اعلا، تلاش کند. در این صورت، او انتظاری سازنده داشته که محرک وصول به حیات طیبه توحیدی و مطابق با فطرت انسانی است.

هدف عبارت است از حقیقتی که آگاهی از آن و اشتیاق به دست آوردن آن، محرک انجام دادن اعمال معینی است که آن حقیقت را قابل وصول می‌سازد (جعفری، ۱۳۸۳: ص ۱۴). هدف نهایی انسان نمی‌تواند امتیاز و کمالی از سنخ همین زندگی طبیعی باشد؛ زیرا امتیازات و خواسته‌های حیات طبیعی، واقعیاتی هستند که چگونگی هویت زندگی طبیعی، آن‌ها را اقتضا می‌کند و امکان ندارد چیزی که مقتضای ذاتی یک حقیقت است، هدف آن حقیقت بوده باشد. بنابراین، علم و دیگر امتیازات ناشی از استعدادهای ذاتی نمی‌تواند هدف اعلا حیات باشد (همان، ۱۳۸۶: ص ۳۱۵)؛ بلکه مقصد و هدف نهایی زندگی قطعاً باید مافوق مقتضیات حیات طبیعی باشد. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ﴾؛ آنان پدیده‌های

سطحی از حیات دنیا را می‌فهمند و از حیات آخرت غفلت می‌ورزند (روم: ۷).

حیات آخرت که مشخصه اصلی آن، معنوی بودن آن نوع حیات است، حیاتی توحیدی و در جهت قرب وجودی به حیات الاهی است.

آیاتی از قرآن کریم هدفمندی زندگی انسان را به صراحت گوشزد می‌کنند. در این آیات علاوه بر تاکید بر هدفمندی حیات انسان، هدف نهایی در لقاء الله و بازگشت و قرب به او

معرفی شده و راه رسیدن انسان به اهداف متعالی نیز در آن بیان شده است:

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾؛ آیا گمان کرده‌اید ما شما را

بیهوده آفریده ایم و شما به سوی ما باز گردانده نخواهید شد (مؤمنون: ۱۱۵)؛

﴿أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾؛ آگاه باشید مقصد نهایی همه امور به سوی خداست

(شوری: ۵۳)؛

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾ ای انسان! تو در حالی که

کوشش می‌کنی، به ملاقات پروردگارت نایل می‌شوی (انشقاق: ۶).

بر اساس این آیات، هدایت الاهی که نوع انسانی را به سوی سعادت و خیر و به سوی منافع وجودش دلالت می‌کند؛ هدایتی است تکوینی و از مشخصات نحوه خلقت اوست (و محال است نظام آفرینش در یک مورد دچار خطا و اشتباه شود)؛ لاجرم باید به‌طور قطع گفت که انسان سعادت وجود خود را به‌طور فطری درک می‌کند، و در این درکش دچار تردید نمی‌شود؛ چنان که سایر مخلوقات بدون این که دچار سهو و اشتباه شوند، مطابق طبع خود راهی را که به سعادت و منفعت و خیرشان منتهی می‌شود، می‌پیمایند، و اگر در جایی دچار خبط می‌شوند، به خاطر تاثیر عوامل و اسباب نامناسب دیگری است که موجودی را از مسیر خیرات و منافعش منحرف ساخته، آن را به سوی ضرر و شر سوق می‌دهد. این همان معنایی است که در قرآن کریم بر آن پافشاری نموده و می‌فرماید راه سعادت، علم و عملی که به آن منتهی می‌شود، بر هیچ انسانی پوشیده و مخفی نیست. هر انسانی به فطرت خود درمی‌یابد که چه معارفی را باید معتقد باشد و چه کارهایی را باید انجام دهد. در واقع هدف، سعادت و مسیر خیرات واقعی نفس، مورد شهود انسان است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۹، ص ۴۳).

بنابراین، اگر انسان از راه راستی که فطرتش او را به آن دعوت نموده و هدایت الاهی به سوی آن سوقش می‌دهد، منحرف شود؛ قطعاً لوازم سعادت زندگی حقیقی و حیات طیبه انسانی را از دست داده است.

گاهی می‌شود که انسان در اعتقاد و یا عملش از طریق حق منحرف شده و دچار اشتباه می‌گردد؛ لیکن این خطا و اشتباه به فطرت انسانی او و هدایت الاهی مستند نیست، بلکه به‌خاطر این است که او خودش بر اثر پیروی هوای نفس و تسویلات جنود شیطان، راه رشد خود را گم کرده است؛ چنان که قرآن فرموده است:

﴿إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَى﴾؛ پیروی

نمی‌کنند، مگر پندار را و آنچه دل‌ها هوس می‌کند، با این‌که به تحقیق از ناحیه پروردگارشان هدایت برای آن‌ها رسیده بود (نجم: ۲۳).

بنابراین، فراموشی هدف که مقدمه گناه و پیروی از هوای نفس است، نوعی انحراف از مسیر رسیدن به حیات طیبه و فطرت پاک انسانی است. در عصر انتظار که دوران امتحان و آزمودگی منتظران برای آمادگی آنان برای قیام بزرگ مهدوی است، نیازمند واکاوی اهداف زندگی، تقویت انگیزه و انجام عمل صالح هستیم تا با اشتداد وجودی و روحی بتوانیم به درجاتی از حیات طیبه وعده داده شده به مومنان دست یابیم؛ حیاتی مومنانه و توحیدی که نحوه کامل‌تر آن در زمان ظهور بروز خواهد کرد.

۳. نقش انتظار در تحقق حیات طیبه

در این قسمت، به نقش سازنده انتظار در تحقق حیات طیبه‌ای که مخصوص مومنان است؛ پرداخته می‌شود. فرهنگ انتظار می‌تواند با امیدبخشی به مومنان، ایجاد روحیه اطاعت و فرمانبرداری از اوامر الهی، ایجاد روحیه استقامت و صبوری و دعوت به جهاد با نفس و رسیدن به ارزش‌های اخلاقی در تحقق حیات طیبه موثر باشد و نقش آفرینی کند؛ حیاتی خاص مومنان که با دو ویژگی ایمان و عمل صالح در عصر انتظار حاصل می‌شود.

۳-۱. ترغیب و امیدبخشی به مؤمنان

یکی از ویژگی‌های دوران محرومیت از وجود حضرت صاحب الامر علیه السلام ناامیدی مومنان از فرج و گشایش است تا جایی که گروهی به بدگمانی به وعده‌های الهی دچار می‌شوند. از آنجا که مومن به حیات طیبه نخواهد رسید جز با امیدواری (که نشانه ایمان اوست) و تلاش (که گویای عمل صالح اوست)؛ در روایات انتظار، مومنان به امیدواری، ترغیب و تشویق شده‌اند و انتظار فرج و گشایش، یکی از برترین اعمال امت و نوعی عبادت معرفی شده است:

عن أمير المؤمنين عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله أفضل العبادَةِ انْتِظَارُ الفَرَجِ؛ افضل عبادات انتظار فرج است (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، باب ۲۵، ص ۲۸۶ و طوسی، ۱۴۱۴: باب ۱۵، ص ۴۳۶).

هر کس درحالت امید و انتظار حیات مهدوی، برای تحقق حیات طیبه تلاش کند، همچون کسی است که با امام خویش معیت وجودی دارد؛ زیرا در مسیر و در جهت اهداف

امامش قرار گرفته؛ لذا به ثواب همراهی با امام می‌رسد.

عَنِ السُّنْدِيِّ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِيمَنْ مَاتَ عَلَيَّ هَذَا الْأَمْرَ مُنْتَظِرًا لَهُ قَالَ: هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ عليه السلام فِي فَسْطَاطِهِ ثُمَّ سَكَتَ هُنَيْئَةً ثُمَّ قَالَ هُوَ كَمَنْ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله; از امام جعفر صادق عليه السلام پرسیدم: درباره کسی که بمیرد، در حالی که منتظر قیام قائم عليه السلام باشد؛ چه می‌فرماید؟ حضرت فرمودند: همانند کسی است که در خیمه او و همراه او باشد سپس مکتی کرده و فرمودند: بلکه همچون کسی است که همراه رسول خدا صلى الله عليه وآله باشد. (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۱۷۳).

فرقی نمی‌کند که فرد از نظر مکانی یا زمانی با ولی عصر عجل الله فرجه چقدر فاصله داشته باشد؛ مهم آن است که در کسب درجات وجودی عبودیت، ایمان و کسب کمال از طریق عبودیت و عمل صالح، چقدر به او نزدیک شده باشد:

عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ شَجْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَوْ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ مَاتَ عَلَيَّ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ حَضَرَ مَعَ الْقَائِمِ وَ شَهِدَ مَعَ الْقَائِمِ عليه السلام؛ هرکس بمیرد در حال انتظار فرج، همچون کسی است که کنار قائم باشد و با او شهید شود (همان).

چنین شخصی اجر کسی را دارد که در کنار امامش به شهادت رسیده باشد؛ زیرا او برای رسیدن به حیات طیبه تلاش کرده و نفس خود را در این راه کشته است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَنَّهُ قَالَ: الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بَدْمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ منتظر امر ما عليه السلام همچون کسی است که در خون خود غلطیده باشد (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ج ۶، ص ۴۱۸).

به نظر می‌رسد ثواب و اجر عظیم منتظران به دلیل آن است که آنان برای رسیدن به حیات طیبه مهدوی، که شاخصه آن ایمان اثر گذار است؛ با طی مسیر عبودیت و از طریق جهاد با نفس و هوا و هوس به قرب حیات معنوی امام می‌رسند. آری، حیات حقیقی از آن کسانی است که به نهایت درجه عبودیت رسیده‌اند و رود خروشان حیاتشان به دریای وجودی حیات ازلی، ابدی و حقیقی خداوند وصل شده و آثار حقیقی حیات که همان علم و قدرت و اراده بی نهایت است، از ایشان متبلور گردیده و این حیات جز با انتظار فعال و سازنده حاصل نخواهد شد؛ انتظاری همراه با افزایش ایمان و عمل صالح که نشانه‌های عبودیت را در فرد

جلوه‌گر ساخته است.

و فيه عن سيّد العابدين عليه السلام: من ثبت على ولايتنا في غيبة قائمنا أعطاه الله أجر ألف؛ شهيد مثل شهداء بدر و احد؛ هر کس بر ولايت ما در زمان غيبت قائم ما پا برجا باشد، خداوند به او اجر هزار شهيد از شهدای بدر و احد را عطا می‌کند (يزدی حایری، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۴۱۵).

این ولايت پذيری و استقامت برای آن است که موالیان را به دریای وجود مومنانه امامشان وصل کرده تا بارقه‌ای از حیات جاویدان الهی نیز بر آنها بتابد.

۳-۲. ایجاد روحیه اطاعت و فرمانبرداری از اوامر الهی

مومنان در روزهای سخت دوری از امام خود که به انواع بلاها و سختی‌ها آزموده شده؛ ولی روحیه انتظار را با ایمان راسخ خود تقویت کرده و دست از اطاعت و فرمانبرداری اوامر الهی بر نداشته‌اند؛ کسانی هستند که با همراهی ایمان و عمل صالح، آمادگی رسیدن به نوع جدیدی از حیات را که مخصوص مومنان است (حیات طیبه) کسب کرده‌اند. این حیات توحیدی به نحو اتم در زمان ظهور متجلی می‌گردد.

امام صادق عليه السلام:

طوبى لمُحِبِّ قَائِمِنَا، المنتظرين لظهوره في غيبته و المطيعين له في ظهوره؛ خوشا به حال دوستان قائم عليه السلام ما که در غیبتش ظهور او را انتظار می‌کشند و در ظهورش از او اطاعت می‌کنند!

اینان با پرورش محبت به صاحب عصر عليه السلام و انتظار ظهور امامشان به مرحله اطاعت الهی و عمل صالح می‌رسند که خود یکی از شرایط لازم تحقق حیات طیبه مومنانه است. امام جعفر صادق عليه السلام نیز ویژگی شیعیان واقعی را در اطاعت از اوامر الهی و ترک نواهی پروردگار می‌داند:

به خدا سوگند، شیعه علی عليه السلام نیست، مگر کسی که شکم و عورتش را از حرام نگه بدارد و اعمالش را برای [جلب رضایت] پروردگارش انجام دهد و انتظار ثواب و پاداش الهی را بکشد و به آن امیدوار باشد و از کيفرش بهراسد (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ص ۳۳).

۳-۳. ایجاد روحیه استقامت و صبوری

نقش دیگر انتظار در جهت تحقق حیات طیبه توحیدی، ایجاد روحیه مقاومت در برابر امتحانات و سختی‌ها در راه دین است. روحیه صبر و استقامت در کنار انتظار فرج، در مقابل یاس و ناامیدی که نتیجه منفعل بودن انسان است و او را از حرکت باز می‌دارد، یکی از برترین عبادت‌ها شمرده شده است. امام علی علیه السلام نیز برترین عمل را صبر در کنار انتظار معرفی کرده است:

افضلُ العبادَةِ الصَّبْرُ وَ الصَّمْتُ وَ انْتِظَارُ الفَرَجِ؛ برترین عبادت‌ها صبر و خاموشی و انتظار فرج است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۴، ص ۴۲۰).

صابر بودن لازمه انتظار فعالانه و دوری از ناامیدی است. کارهای سخت و بزرگ جز با صبر و استقامت به نتیجه نمی‌رسند و «منتظر» جز با بردباری در راه حق، به حیات طیبه وعده داده شده به مومنان نخواهد رسید؛ روحیه‌ای که قرآن نیز به آن سفارش کرده است:

﴿وَ الْعَصْرُ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ (عصر: ۱-۳).

برخی از مفسران، «عصر» را به دوران قیام امام مهدی علیه السلام تفسیر کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ص ۳۱۸) که همه انسان‌ها در آن زمان خسران دیده و سرمایه انسانی خود را از دست داده‌اند، به جز مومنانی که برای چنین روزی آمده شده و با رسیدن به حیات طیبه توحیدی اهل عمل صالح شده‌اند. اینان کسانی هستند که یکدیگر را به استقامت در راه حق و صبوری سفارش کرده‌اند. صبر بر اطاعت فرامین الهی، صبر بر ترک گناه و صبر بر بلا و سختی و اقامه حق به استقامت نیاز دارد و مومن منتظر می‌کوشد با ایمان در کنار عمل صالح، به همراه استقامت و صبر و دعوت دیگران به این امور، به درجاتی از حیات طیبه توحیدی برسد و زمینه‌ساز قیام مهدوی شود.

محمد بن فضیل چنین روایت کرده است:

از امام رضا علیه السلام درباره انتظار فرج سوال کردم؛ حضرت در پاسخ این آیه را تلاوت کردند: ﴿فَانتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾ (اعراف: ۷۱)؛ سپس فرمودند بر شما باد به صبر زیرا فرج می‌آید بعد از ناامیدی و وعده الهی قطعی است (قمی، ۱۳۷۹: ص ۱۱۷۴).

به عبارت دیگر، حضرت به این مطلب اشاره کردند که انتظار به معنی امیدواری، استقامت و صبر در راه حق است که زمینه‌ساز فرج و قیام می‌گردد.

۳-۴. جهاد با نفس و رسیدن به ارزش‌های اخلاقی

یکی از نتایج انتظار مثبت و فعال، جهاد با نفس برای کسب ارزش‌های اخلاقی، دوری از گناهان و رسیدن به حیات مومنانه و در واقع تلاش برای کسب رتبه عبودیت است.

از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُوا وَ انْتَظِرُوا؛ هر کس آرزو دارد از اصحاب حضرت قائم علیه السلام باشد؛ پس باید منتظر بوده و به تقوا عمل کند و محاسن اخلاق را پیشه خود سازد. چنین شخصی منتظر است و اگر بمیرد و بعد از موتش قائم قیام کند، اجر کسی را دارد که او را درک کرده است. پس تلاش کنید و منتظر باشید (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ص ۲۰۰).

منتظران برای رسیدن به درجاتی از ایمان که با روح الاهی تایید شده و رتبه‌ای شایسته برای کسب حیات جدید و مخصوص مومنان است (که همان طیبه توحیدی است)؛ نیازمند خودسازی و پالایش معنوی هستند.

امام صادق علیه السلام در بیان ویژگی‌های یاران مهدی علیه السلام می‌فرماید:

وَ إِنْ مِنْ دِينِهِمُ الْوَرَعُ وَ الْعِفَّةُ وَ الصَّدْقُ وَ الصَّلَاحُ وَ الاجْتِهَادُ، وَ آدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَ الْفَاجِرِ، وَ طَوْلُ السُّجُودِ، وَ الْقِيَامُ بِاللَّيْلِ، وَ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ، وَ انْتِظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ وَ حُسْنِ الصُّحْبَةِ، وَ حُسْنُ الْجَوَارِ، وَ بَدَلُ الْمَعْرُوفِ، وَ كَفُّ الْأَذَى، وَ بَسْطُ الْوَجْهِ، وَ النَّصِيحَةُ، وَ الرَّحْمَةُ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ و از آیین ایشان [= منتظران] است: تقوا و ورع، صدق، درستی و تلاش، ادای امانت به نیکوکار و بدکار، طولانی کردن سجده‌ها، قیام و شب زنده‌داری، دوری از گناهان و محارم و انتظار فرج با صبر، حسن دوستی و حسن همسایگی، بخشش و نشر نیکی‌ها، خودداری از زشتی‌ها و پلیدی‌ها، خوشرویی، نصیحت، و رحمت و دلسوزی نسبت به مومنان (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ص ۳۶).

در این احادیث گهربار، ویژگی منتظران، عمل به ارزش‌های اخلاقی و دوری از گناهان

دانسته شده است. جهاد با نفس و هواهای آن، درجه وجودی حیات معنوی و اختیاری مومنان را اشتداد بخشیده و یکی از لوازم تحقق حیات طیبه است. مومنانی که به چنین حیاتی رسیده‌اند، آمادگی وصول به درجات بالاتری از این نوع حیات را دارند که در زمان قیام و ظهور امامشان به وقوع خواهد پیوست؛ حیاتی مومنانه سرشار از عبودیت و همسو با اجرای احکام و عدالت الاهی که انسان‌ها را به قرب پروردگارشان می‌رساند؛ حیاتی آگاهانه که با قدرت ایمان و اراده اثرگذار در اعمال فرد پدید آمده است.

نتیجه گیری

حیات طیبه باطن و حقیقت زندگی مومنانه است. درجه وجودی چنین حیاتی قوی‌تر، خاص‌تر، برگزیده و پاک‌تر، و به حیات ازلی و ابدی حق نزدیک‌تر گردیده است؛ حیاتی که به وسیله روح ایمان و معرفت آگاهانه و مطابق با فطرت توحیدی، قوه میل به اطاعت الاهی و انجام دادن اعمال صالح و امور خیر، خودسازی، صبر و استقامت پدید می‌آید. خدای تعالی مؤمنی را که عمل صالح انجام دهد، به حیات جدیدی غیر از حیاتی که به دیگران نیز داده است، زنده می‌کند. کسی که دارای حیات ایمانی است، حیات انسانی اش قوی‌تر و واجد آثار بیش‌تری است. حیاتی وصل شده به حیات ابدی الاهی که از علم، قدرت و اراده حقیقی سرشار است.

عصر انتظار، دوران غیبت امام مهدی علیه السلام است که مومنان باید برای آماده سازی قیام مهدوی تلاش کنند؛ تلاشی مضاعف تا به درجات معنوی لازم برای رسیدن به حیات طیبه روحانی و معنوی خود برسند. این آمادگی در سایه ایمان راستین و انجام دادن عمل صالح به دست می‌آید و شرایطی دارد. ویژگی مهم دوران انتظار، امتحان مردم در دینشان است که با فرافکنی و ایجاد شبهه، ایجاد شک و نا امیدي به فرج و گشایش الاهی، ابتلا به انواع سختی‌ها و بلاها ظاهر شده و ایمان افراد را نشانه می‌گیرد. تضعیف ایمان نیز به تضعیف عمل می‌انجامد و در نتیجه سقوط معنوی و دوری از حیات طیبه را به دنبال دارد. کارآمدی انتظار در تحقق حیات طیبه با ترغیب و امیدبخشی به مومنان، ایجاد روحیه اطاعت و فرمانبرداری از اوامر الاهی، ایجاد روحیه استقامت و صبوری و دعوت به جهاد با نفس و رسیدن به ارزش‌های اخلاقی صورت می‌گیرد. مومنان منتظر با چنین اراده و قدرتی آماده حیاتی معنوی و توحیدی می‌شوند؛ حیاتی همسو با فطرت توحیدی و سرشار از پاکی و معنویت که «حیات طیبه» نام دارد.

حیات حقیقی، از آن اهل بیت است که به نهایت درجه عبودیت رسیده اند و رود خروشان حیاتشان، به دریای حیات ازلی، ابدی و حقیقی خداوند وصل شده است. مومنان باید برای رسیدن به حیات طیبه مهدوی در زمان ظهور، با طی مسیر عبودیت و از طریق جهاد با نفس با محوریت فرامین شرع، به درجاتی از حیات طیبه در عصر انتظار برسند؛ عصری که زمینه‌ساز قیام مهدوی و حیاتی کامل‌تر در معیت وجودی با حیات طیبه امامشان است تا به دریای حیات حقیقی وصل شده و رنگ ابدیت بگیرند.



منابع

قرآن کریم.

۱. ابن شعبه حرّانی، الحسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. محقق: علی اکبر غفاری، قم، موسسه نشر اسلامی.
۲. احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶ق). *مکاتیب الأئمه علیهم السلام*، محقق: مجتبی فرجی، قم، دار الحدیث.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیة.
۴. _____ (۱۳۸۰). *صفات الشیعه*، مترجم: امیر توحیدی، تهران، زواره.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق). *لسان العرب*، قم، نشر ادب حوزه.
۶. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.
۷. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۹). *الاشارات و التنبیها*، قم، نشر البلاغه.
۸. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۲ق). *معجم تهذیب اللغه*، بیروت، دارالمعرفه.
۹. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، محقق: علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۰. خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶). *الفهرست شرح غرر الحکم و درر الکلم*، محقق: جلال الدین حسینی ارموی محدث، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. انیس، ابراهیم؛ منتصر، عبدالحلیم؛ الصوالحی، عطیه و خلف احمد، محمد (۱۳۸۶). *المعجم الوسیط*، مترجم: محمد بندر ریگی، تهران، انتشارات اسلامی.
۱۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). *المحاسن*، محقق: جلال الدین محدث، قم، دار الکتب الإسلامیه.
۱۳. جعفری، محمدتقی (۱۳۸۶). *شناخت انسان در تصعید حیات تکاملی*، تهران، موسسه نشر آثار علامه جعفری.
۱۴. _____ (۱۳۸۶). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. _____ (۱۳۸۳). *فلسفه و هدف زندگی*، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). *فطرت در قرآن*، تنظیم: محمد رضا مصطفی پور، قم، نشر اسراء.
۱۷. حلّی، حسن بن یوسف (بی تا). *کشف المراد فی تجرید الاعتقاد*، قم، انتشارات مصطفوی.
۱۸. خسروپناه، عبدالحسین و دیگران (۱۳۹۲). *انسان شناسی اسلامی*، قم، دفتر نشر معارف.

۱۹. خواجه طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۸۹). *اخلاق ناصری*، مصحح: عزیزالله علیزاده، تهران، فردوس.
۲۰. دشتی، محمد (۱۳۸۱). *نهج البلاغه*، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین علیه السلام.
۲۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت نامه دهخدا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، محقق: صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالقلم.
۲۳. صدر الدین شیرازی، محمد (۱۳۶۶). *شرح اصول کافی*، مصحح: محمد خواجهوی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۴. _____ (۱۹۸۱م). *حکمت المتعالیه*، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
۲۵. شیروانی، علی (۱۳۸۱). *اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن*، قم، دارالفکر.
۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۷. _____ (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، محقق: محمد جواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو.
۲۹. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق). *الأمالی*، محقق: مؤسسه البعثه، قم، انتشارات دار الثقافه.
۳۰. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ق). *ترتیب العین*، ترتیب: شیخ محمد حسن بکایی، قم، اسوه.
۳۲. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
۳۳. قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹). *منتهی الامال*، مشهد، بارش.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۳۵. _____ (۱۳۶۹). *_____*، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
۳۶. مدنی شیرازی، سید علی خان (۱۴۰۹ ق). *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین*، محقق: محسن حسینی امینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳). *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۳۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۹. _____ (۱۳۸۱). *مهدی موعود*، مترجم: علی دوانی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.



۴۰. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۷). *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، نگارش: احمد حسین شریفی، قم، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۱. مصطفوی، حسن (۱۳۸۵). *التحقیق فی کلمات القرآن*، طهران، نشر آثار للعلامه المصطفوی.
۴۲. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). *ولاء ها و ولايتها*، تهران، صدرا.
۴۳. موسوی اصفهانی، سید تقی (۱۳۷۶)، *مکیال المکارم*، مترجم: سید مهدی حائری قزوینی، تهران، انتشارات بدر.
۴۴. یزدی حایری، علی (۱۴۲۲ ق). *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام*، محقق: علی عاشور، بیروت، مؤسسه الأعلمی.